

## بررسی دلایل بی‌اخلاقی در ورزشگاه‌ها در گفت‌وگوی «جوان» با رسول کریم‌بندی



# وقتی مدیر و بازیکن بی‌اخلاقی می‌کنند از تماشاچی چه انتظاری داریم؟!

**گفت‌وگو**  
**دنیاچیدری**

باورش برایش دشوار است. او بارها و بارها چه به عنوان بازیکن و

چه مربی درون و بیرون از مستطیل سبز به تماشای فوتبال نشسته و با پر دو باخت‌های آن زندگی کرده، اما هرگز چون امروز از تماشای یک مسابقه شرمسار نشده است؛ امروز که در عین نابوری با گوش‌هایش بی‌احترامی به کوچک و بزرگ فوتبال را از روی رسول کریم‌بندی نیز بر آن تأکید دارد به چنان چالشی میاهات فوتبال ایران بودند و امروز ما به شرمساری. صر فاً چون روزی عده‌ای سکوها را دستاویز رسیدن به اهداف خود کردند و این داستان حالا همانطور که به اهداف خود رسیدند و حرمت‌ها و تعصبات را کاهش داده، به طوری که لیدرها دیگر صرفاً آن بوچی‌های عاشق و سینه‌چاک قبل نیستند بلکه اکثر افرادی با انگیزه‌های مالی هستند که می‌توانند با استفاده از جو حاکم بر ورزشگاه، احساسات هوادار را دست گرفته و آن را در جهت مثبت و منفی شکل دهند. چطور ممکن است سکوها در هفته سوم، چهارم و پنجم شعار حیاکن راها کن سردهند؟ مگر آنکه جریان آنها را به این سمت هدایت کرده باشد. نمی‌توان منکر شد که پول و تأثیر آن فضای ورزشگاه‌ها را به محیطی مسموم تبدیل کرده است.

سال‌هاست در فوتبال حضور داریم، بی‌تعارف امروز که به فضای ورزشگاه‌ها نگاه می‌کنید، بزرگ‌ترین نگرانی‌تان چیست؟

متأسفانه بی‌اخلاقی‌ها آنقدر گسترده شده که دیگر هیچ‌کس در امان نیست؛ نه بازیکنان قدیمی که مورد احترام همه هستند، نه مربیان، نه سرپرستان، اما مشکل تنها تماشاگران نیستند، در عین نابوری می‌بینیم حتی بازیکنان ملی‌پوشی که قرار است فردا کنار هم از فوتبال کشور دفاع کنند هم امروز مقابل یکدیگر رفتاری دارند که واقعاً زبینه نیست و آدم‌ها را حتی نسبت به آینده تیم ملی نگران می‌کند. در واقع از مدیریت باشگاه‌ها گرفته تا بازیکنان و تماشاگران، همه در این چرخه نقش دارند.

ریشه این بی‌اخلاقی‌ها چیست؟

این مسئله را باید از چند زاویه بررسی کرد، چراکه می‌تواند مجموعه‌ای از دلایل مختلف باشد. فشارهای اقتصادی و اجتماعی، دلالتی و نقش لیدرها، رفتار مربیان و بازیکنان کنار زمین، مدیریت باشگاه‌ها و رسانه‌ها، بی‌اعتمادی به داوری و لیگ و حتی تأثیر فضای مجازی، اعتراض و برخورد مربیان از کنار زمین، صحبت‌ها و مصاحبه‌های مدیران قبل و بعد بازی‌ها و رفتار بازیکنان حین مسابقه با حریف و حتی شادی‌های بعد از گل هر کدام می‌تواند به نوبه خود باعث تحریک سکوها و هواداران شود.

## جنجال، لیگ‌برتر را اسیر خود کرده است

## برخوردهای ملایم با حاشیه‌های سنگین

**گزارش یک**  
**شوا نوروزی**

لیگ‌برتر فوتبال کشورمان هیچ نشانی از فوتبال حرفه‌ای ندارد و در عوض در جنجال و درگیری همیشه صدرنشین است. هر فصل که می‌گذرد شدت حواشی افزایش می‌یابد، با این حال خبری از اقدام فدراسیون فوتبال برای کنترل و کاهش جنجال‌ها نیست. کار به جایی رسیده که در این فصل حواشی گسترده از همان هفته نخست آغاز شده و تعداد آنها آنقدر زیاد است که تنها می‌توانیم به چند موردشان اشاره داشته باشیم.

**افسار گسیختگی فعالیت‌های مجازی**

جدا از بحث کنترل سکوها، نظارت روی رفتار لیدرها و همچنین جلوگیری بازیکنان از انجام رفتارهای حساسیت‌برانگیز و جنجالی، مسئولان فدراسیون و البته باشگاه‌ها باید شش‌دانگ حواس‌شان به فعالیت مدیران رسانه‌ای خود در فضای مجازی باشد. در عین نابوری صفحه رسمی باشگاه پرسپولیس اقدامی ناپایب انجام داد و فحاشی رکبک هواداران خود به تیم رقیب را منتشر کرد؛ پرسپولیس در مصاف با استقلال خوزستان به پیروزی پر گل رسید و در پایان مسابقه بازیکنان به همراه هواداران خود تشویق ایس‌لندی انجام دادند.

متأسفانه این تشویق با شعارهای رکبک علیه استقلال‌ها همراه بود و از آن بدتر اینکه صفحه رسمی باشگاه پرسپولیس این فیلم را منتشر کرد. پس از اعتراض‌های گسترده این فیلم حذف شد و باشگاه طی بیانیه‌ای این رفتار غیرحرفه‌ای بخش رسانه‌ای خود را توجیه کرد. و آکنش کمیته انضباطی به این ماجرا، ۹ لیدر پرسپولیس تا اطلاع ثانوی محروم شدند. علاوه‌بر این هفت بازیکن قرمزها (سروش رفیعی، فرشاد احمدزاده، میلاد سرلک، محمد خداندیده‌لو، یعقوب برارجه، میلاد



یعنی در واقع رفتار مربی، بازیکن و حتی مدیران و مسئولان یک باشگاه می‌تواند خواسته و ناخواسته به تماشاگران مجوز فحاشی و بروز رفتارهای ناهنجار را بدهد؟

متأسفانه همین طور است، وقتی مدیران با لحن تند صحبت می‌کنند، انتظار رفتار منطقی از هواداران بی‌معنی است. هواداری که به عشق تیمش در سرما و گرما راهی ورزشگاه می‌شود، کافی است شاهد رفتار نامتعارفی از سوی اعضای تیمش باشد. دیگر نیازی نیست بگوییم که این مسئله تا چه اندازه می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. نتیجه کبریت کشیدن در انبار باروت را همه می‌دانیم.

اما گاه قبل از شروع مسابقات شاهد فحاشی سکوها هستیم!

هیچ چیز قطعی نیست. ما اینجا داریم یک مسئله را از زوایای مختلف نگاه می‌کنیم تا متوجه شویم چه عواملی دست به دست هم می‌دهند برای آشفته کردن ورزشگاه‌ها. رفتار نسنجیده مربیان، بازیکنان و مدیران قبل و بعد بازی‌ها تنها یک دلیل است. مسئله دیگر می‌تواند بحث پول‌های هنگفتی باشد که به فوتبال راه یافته و حرمت‌ها و تعصبات را کاهش داده، به طوری که لیدرها دیگر صرفاً آن بوچی‌های عاشق و سینه‌چاک قبل نیستند بلکه اکثر افرادی با انگیزه‌های مالی هستند که می‌توانند با استفاده از جو حاکم بر ورزشگاه، احساسات هوادار را دست گرفته و آن را در جهت مثبت و منفی شکل دهند. چطور ممکن است سکوها در هفته سوم، چهارم و پنجم شعار حیاکن راها کن سردهند؟ مگر آنکه جریان آنها را به این سمت هدایت کرده باشد. نمی‌توان منکر شد که پول و تأثیر آن فضای ورزشگاه‌ها را به محیطی مسموم تبدیل کرده است.

اما داوری و ساختار لیگ هم بی‌تأثیر نیست. گاهی اشتباهات داور سکوها را به نقطه جوش می‌رساند و نمی‌توان همه تحریکات را هم سازمان یافته شده قلمداد کرد.

صددرصد، بی‌اعتمادی به داوری، به ویژه در بحث VAR، شرایط را برای متشنج کردن سکوها مهیا می‌کند. ما به وضوح شاهد هستیم که حتی تکنولوژی هم نتوانسته اعتماد را بازگرداند. اشتباهات داوری مستقیماً روی رفتار تماشاگران اثر می‌گذارد، این را نمی‌توان منکر شد. وقتی هیچ اقدام فرهنگی روی



سکوها انجام نداده‌ایم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم یک هوادار عاشق با تماشای اشتباهات تأثیرگذار داور دست‌روی‌دست بگذارد و صدایش هم درنیابد، مگر آنکه اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام داده باشیم، اما آیا هیچ اقدامی در این راستا انجام شده است؟ تا همین چند سال پیش انگلیس بدترین تماشاگران را داشت که درگیری‌های آنها قبل و بعد بازی‌ها کشته هم می‌داد، اما الان فاصله تماشاگر با زمین بازی تنها چند متر است. چطور می‌شود؟ با انجام کارهای اصولی و فرهنگ‌سازی.

یعنی فکر می‌کنید مشکلات ورزشگاه‌های ایران حل شدنی است، اگر همتی باشد؟

متأسفانه من هیچ عزمی برای حل این مشکل نمی‌بینم، اما باثباتی به تجربه دیگر کشورها مطمئناً راه‌حلی وجود دارد. به شرط آنکه به آن فکر کرده باشیم. یک زمان با یک سرباز و یک سرهنگ یک ورزشگاه را مدیریت می‌کردند اما امروز با این تعداد نیروی انتظامی درمی‌مانند. زمانی ورزشگاه‌های ما ۱۰۰ هزار تماشاگر داشت. آن زمان اوضاع اینقدر آشفته و تأس‌فبار نبود که امروز با یک‌دهم آن مشکل داریم. چرا از ظرفیت‌های‌مان استفاده می‌کنیم؟ تماشاگر از جایش که بلند می‌شود دیگر صاحب صندلی‌اش نیست. مگر قرار نبود از دوربین‌ها برای شناسایی چهره متخلفان استفاده کنیم؟ می‌گویند از این همه آدم که داریم بگیریم، همه را نمی‌شود اما آن را که بلندگو به دست فحاشی می‌کند هم نمی‌توانیم بگیریم؟ یا مسئله چیز دیگری است و نمی‌خواهیم.

فکر می‌کنید فضای مجازی و رسانه‌ها در این راستا تأثیر بسیار مکرر هستند یا می‌توانند گزیننه‌ای برای حل و فصل مشکل ورزشگاه‌ها باشند؟

رسانه‌ها و فضای مجازی هم می‌توانند اوضاع را آرام و هم آن را متشنج کنند. همه چیز بستگی به نوع استفاده ما از آن ابزار دارد. مصاحبه‌ها و القای نگاه‌های تحریک‌آمیز، مستقیم روی جو ورزشگاه‌ها اثر می‌گذارد. اینکه شما با کنایه از یک تیم عذرخواهی کنید یا اینکه

در لاف‌ه وعده بازی بر گشت را بدهید، پرواضح است که اوضاع را آشفته‌تر می‌کند. متأسفانه کار به جایی رسیده که ما به جای گرفتن انتقام در زمین بازی برای جبران نتیجه، دنبال گرفتن انتقام از روی سکوها هستیم. در غیر این صورت لزومی ندارد بگوییم شما هم به شهر ما می‌آیید و پیشاپیش بابت اتفاقاتی که قرار است رخ دهد، عذرخواهی کنیم. اشتباه، اشتباه است و نمی‌تون اشتباه را با اشتباه جبران کرد. در آن صورت نمی‌توانیم منتقد و معترض باشیم، وقتی قرار است خودمان به همان شکل از خجالت آنها که امروز شرمندمان کردند با رفتار و گفتارشان در آییم. صداوسیما هم که گویا با یک عده خاص قرارداد دارد؛ افرادی که متأسفانه صحبت کردن‌شان با آنچه در ورزشگاه می‌شنویم تفاوتی ندارد، اما چه می‌شود؟ فردا حرف‌شان را تکرار می‌کنند و چند روز بعد هم روی نیمکت تیم خود می‌نشینند.

این روبه وادامه ناهنجاری‌هایی که از روی سکوها شاهد هستیم، می‌تواند تأثیر در عملکرد فنی تیم‌ها نیز داشته باشد؟

بدون شک این مسائل روی کیفیت فنی بازیکنان و تمرکز آنها تأثیر منفی زیادی دارد. مگر می‌شود بازیکنی که مورد فحاشی قرار می‌گیرد تمرکزش به هم نریزد؟ بیشترین نگرانی من بابت نسل جوان است؛ چه نسل جوانی که از روی سکوها بازی‌ها را تماشا می‌کند و چه نسل جوانی که درون مستطیل سبز چشم به آینده دوخته است. ما چه انتظاری می‌توانیم از آنها داشته باشیم؟ روزی با ورود به ورزشگاه‌ها شاهد غیرت و تعصب بودیم و بازی‌هایی که تماشا می‌آید لذت‌بخش و آموزنده بود، بابت رفتارهای جوانمردانه، اما امروز بچه‌های ما از ورزشگاه که خارج می‌شوند فحش‌هایی را می‌شنوند و یاد می‌گیرند که تمام تلاش‌مان را کرده بودیم شنونده آن نباشند، اما در جو امروز ورزشگاه نه تنها می‌شنوند که تکرار هم می‌کنند.

آیا باشگاه‌ها باید مسئولیت حقوقی رفتار هواداران خود را بپذیرند و هزینه بدهند تا این مشکل حل شود؟

باشگاه‌ها می‌توانند از طریق کانون‌های هواداری نقش

## نگاهی به آرای بی‌اثر کمیته انضباطی

## مادیات حرف اول را می‌زند

هواداران رقیب، موضوعی نیست که با جریمه نقدی حل و فصل شود. در حالی که رکن قضایی فدراسیون نظر دیگری دارد. از نظر مسئولان کمیته انضباطی بریدن جریمه ۵۰۰ میلیون تومانی در اولویت است و یک جلسه محرومیت تعلیقی کافی خواهد بود، حال آنکه محرومیت‌های قطعی نیز در بسیاری از مواقع از سوی کمیته استیناف وتو شده، چه برسد به محرومیت‌های فرمالیه و تعلیقی. در حقیقت اگر مسئولان امر روی بازارزدگی آرای خود حساب باز می‌کردند و نگاه تربیتی و فرهنگ‌سازی داشتند، اجازه نمی‌دادند مادیات در احکام انضباطی حرف اول را بزنند. در بسیاری از مواقع شدت بی‌اخلاقی‌ها آنقدر بالاست که حتی بینندگان تلویزیونی و هواداران هم منتظر چند جلسه محرومیت برای فلان بازیکن، مربی یا بازیکن قدیمی هستند. در نهایت جریمه‌های نقدی لازم‌الاجرا هستند و محرومیت‌های دیگر بازن در چرسب «تعلیقی» عملاً حکم فرمالیه‌ت پیدا می‌کنند. متأسفانه آرای آنگی و تشریفاتی باعث شده مردم هم از فوتبال و مدیریتش دل‌سرد شوند.

کار به جایی رسیده که تیم‌ها و عوامل‌شان برای بی‌اخلاقی از هم سبقت می‌گیرند و هرکس با تیمی بیشتر تخلف کند، درواقع برنده است چراکه در نهایت قرار است یک جریمه مالی بپردازد و کمیته انضباطی و فدراسیون نیز تبعاً از وارز و جوه نقدی استقبال می‌کنند. در جریان مسابقات تیم‌ها و هواداران‌شان اگر بتوانند حق خود را با بی‌احترامی، توهین و فحاشی از طرف مقابل بگیرند که هیچ، و گرنه به‌هیچ‌وجه نباید منتظر احقاق حق از سوی فدراسیون و ارکان قضایی‌اش باشیم. ضمن اینکه هنوز نمی‌دانیم درآمدهای حاصل از آرای انضباطی کجا و چطور خرج می‌شود و سهمی در ترمیم فرهنگ از دست رفته فوتبال دارد یا نه.



بی‌تأثیر بودن آرای انضباطی در بهبود وضعیت فرهنگی - اخلاقی فوتبال ایران، روز به روز بیشتر نمود پیدا می‌کند. میزان سوء رفتارها و ناهنجاری‌های پرطرفدارترین ورزش کشور با شیب بسیار تند روبه افزایش است و عملاً هیچ نهاد و مرجعی توانایی کنترل اوضاع را ندارد. فدراسیون اصلی‌ترین نهادی است که مسئولیت فوتبال را به دوش می‌کشد و با افتخار از استقلال بر تصمیم‌گیری حرف می‌زند، ولی به رغم وعده‌ها و شعارهای دهان پر کن و دم زدن از فرهنگ و اخلاقمداری، اثری از آنها در فوتبال ما دیده نمی‌شود.

■ ■ ■

کمیته انضباطی رکن قضایی فدراسیون به حساب می‌آید و میزان جریمه‌ها و محرومیت‌ها پیش از اعلام از فیلتر این کمیته عبور می‌کنند، هر چند در نهایت چیزی جز جریمه مالی بقیه متخلفان و جنجال‌سازان را نمی‌گیرد. سال‌هاست دلسوزان، پیشکسوتان و رسانه‌ها نسبت به بی‌تأثیر بودن آرای انضباطی هشدار می‌دهند و از بسبب‌ساری از آرای صادره نیز شکایت دارند چراکه میزان و شدت جریمه‌ها و محرومیت‌ها هیچ تناسبی با تخلفات ندارد. از سوی دیگر هیچ تضمینی برای اجرای همین آرای نصفه و نیمه نیز وجود ندارد و باز شدن پای کمیته استیناف به ماجرا، احتمال لغو هر نوع آرای وجود دارد.

■ ■ ■

معمولاً کمیته‌های انضباطی باید آنقدر برش و هبیت داشته باشند که کسی جرئت تخلف به خودش ندهد. در این صورت است که میزان جرایم به حداقل می‌رسد و معدود افراد قانون‌گریز و حاشیه‌ساز نیز نقره‌داغ می‌شوند و درس عبرت سایرین، منتها کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ما به فوتبال ما می‌آید و سال‌هاست هیچ بازیکن، مربی یا مدیری نگران رأی صادره از سوی این کمیته نیست چراکه اصل بر جریمه مالی و البته درآمذایی برای فدراسیون گذاشته شده و سایر آرا تعلیقی یا به عبارتی دیگر فرمالیه‌ت هستند.

■ ■ ■

تصمیمات کمیته انضباطی هر روز عجیب‌تر و بحث‌برانگیزتر می‌شود، نحوه برخورد با متخلفان، چه افراد فوتبالی باشند چه هواداران‌شان، به‌قدری لطیف، متناقض و نگاه مادی انجام می‌شود که عدم‌بازارزدگی آنها مثل روز برای همه روشن است. اگر چه فحاشی گسترده هواداران به تیم‌های رقیب، بازیکنان و عوامل‌شان به امری مرسوم در فوتبال ما بدل شده اما در فوتبال حرفه‌ای کوچک‌ترین توهین و بی‌اخلاقی به شدیدترین شکل ممکن برخورد می‌شود تا دیگر کسی جرئت تکرار آن را نداشته باشد، ولی در لیگ‌های فوتبال ایران فحاشی‌های رکبک دسته‌جمعی علیه تیم‌ها و بازیکنان‌شان هرچقدر هم شدید باشد، در نهایت یک جریمه مالی به همراه خواهد داشت. اینجاست که مشخصاً بعد درآمذایی برای فدراسیون به چشم می‌آید و عملاً اهمیتی به بار حقوقی شعارهای زشت و زیرسؤال رفتن شخصیت اشخاص داده نمی‌شود.

■ ■ ■

کافی است آرای صادره اخیر علیه برخی چهره‌های شناخته شده را ببینید تا متوجه شوید کمیته انضباطی تأکید بسیاری بر احکام مالی دارد. فحاشی واضح یک بازیکن به بازیکن حریف یا توهین آشکار یکی از عوامل تیم‌های برطرفدار به